

چرا خدا جهان را مسخر انسان کرد؟ بررسی مفهوم تسخیر خلقت و ارتباط انسان با نظام هستی

Mentazer Mentazer

آیا تسخیر خلقت به معنای سلطه انسان بر نظام هستی و کائنات است؟

وقتی به گستره شگفت‌انگیز آفرینش نگاه می‌کنیم، از کوچکترین ذرات تا عظیم‌ترین ساختارهای کیهانی، این سؤال طبیعی است که چرا جهان با چنین نظم، هماهنگی و دقتی ساخته شده است؟ وجود این همه تنوع در موجودات، رنگ‌ها، صداها و ساختارها چه دلیلی داشته و چه نسبتی با انسان دارد؟ آیا این هماهنگی به معنای فرمانروایی انسان بر هستی است؟

قرآن بارها با تعبیر «سَخَّرَ لَكُمْ» یادآوری می‌کند که آنچه در آسمان‌ها و زمین است، در چهارچوبی حکیمانه برای انسان فراهم شده است؛ اما آیا این «برای شما بودن» به معنای تصرف بی‌قید یا سلطه‌جویی انسان است؟ اگر مفهوم تسخیر خلقت درست درک نشود، به راحتی می‌تواند موجب برداشت‌هایی نادرست شود. برای بسیاری این پرسش مطرح است که میلیاردها ستاره یا میلیون‌ها گونه زیستی چه ربطی به زندگی روزمره ما دارد؟ آیا باید اثر مستقیم و محسوس داشته باشند تا وجودشان معنادار شود؟ این نگاه نشان می‌دهد که ذهن‌ها عموماً محدود به مصرف است؛ درحالی‌که قرآن می‌خواهد افق نگاه را از سطح بهره‌برداری مادی فراتر ببرد و پیوند میان نظم بیرونی عالم و ساختار درونی انسان را نشان دهد.

تسخیر در قرآن به معنای هماهنگی هدفمند آفرینش با ساختار وجودی، ظرفیت‌ها و ویژگی‌های انسان است. جهان برای فرمان‌برداری انسان آفریده نشده، بلکه ساختار و نظم آن به گونه‌ای طراحی شده است که انسان بتواند در آن، مسیر شناخت، تربیت، رشد و بندگی را طی کند.

بخش آشکار تسخیر خلقت را در پدیده‌های ملموس می‌بینیم: آب، خاک، گیاهان، حیوانات و منابع طبیعی. اما لایه عمیق‌تر آن به هماهنگی کلی عالم مربوط است: از گردش سیاره‌ها و تعادل نیروهای بنیادی تا نظم شب و روز و تغییر فصل‌ها. این هماهنگی بستری فراهم می‌کند تا جهان برای انسان قابل فهم باشد و بتواند مسیر درست خود را در آن پیدا کند.

در کنار آفاق، در درون انسان نیز نظمی هماهنگ برقرار است. خواب، بیداری، حافظه، عقل، اراده، احساسات و غرایز همه به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که انسان را برای تصمیم‌گیری، تشخیص و حرکت در مسیر عبودیت، که هدف آفرینش است، آماده کنند. این هماهنگی درونی بخشی از همان نظام تسخیر است. درک درست تسخیر خلقت، انسان را از نگاه مالکانه نسبت به جهان دور کرده و به درک جایگاه حقیقی خود در نقشه الهی نزدیک می‌کند. جهان عرصه قدرت‌نمایی انسان نیست، بلکه بستری است که در آن می‌تواند جایگاه خود را بشناسد و مسیرش را انتخاب کند.

تسخیر خلقت یا سلطه؟ فهم درست رابطه انسان با نظام آفرینش

بسیاری از افراد وقتی واژه تسخیر را می‌شنوند، ناخودآگاه آن را معادل سلطه و چیرگی انسان بر طبیعت در نظر می‌گیرند؛ گویی انسان مأمور است تمام نیروهای عالم را تحت کنترل خود بگیرد، اما این برداشت با نگاه قرآن و فلسفه آفرینش سازگاری ندارد.

در منطق قرآن، تسخیر خلقت به معنای اعمال اراده انسان بر پدیده‌ها نیست؛ بلکه یعنی عالم به‌گونه‌ای طراحی و تنظیم شده که امکان زندگی، فهم و رشد برای انسان در آن فراهم باشد. موجودات در مدار خود حرکت می‌کنند، بدون اینکه تابع فرمان انسان باشند؛ اما همان حرکت، در چهارچوب حکمت الهی و به شکل غیرمستقیم، در خدمت روند رشد و کمال انسان است.

آیاتی مانند «خورشید که همواره به سوی جایگاه مقرر خود در حرکت است»^۱ یا «اوست که شب و روز و خورشید و ماه را آفرید که هریک در مداری معین شناور است»^۲ نشان می‌دهد که نظم عالم بر اساس قوانین الهی است و ارتباطی با اراده انسان ندارد. این قوانین هستند که زمینه زندگی و ادراک انسان را فراهم می‌کنند. پس وقتی گفته می‌شود خلقت در تسخیر انسان است، معنایش این نیست که انسان مرکز عالم

^۱ وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا؛ سوره یس، آیه ۳۸
^۲ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ؛ سوره انبیاء، آیه ۳۳

یا مالک دیگر موجودات است؛ بلکه یعنی ساختار عالم طوری تنظیم شده که انسان بتواند جایگاه خود را بیابد و مسیر رشد و کمال را طی کند.

در مقابل تسخیر، مفهوم سلطه قرار دارد؛ سلطه به معنی تصرف یک‌طرفه و نگاه ابرارگرایانه به جهان است، برخلاف تسخیر که رابطه‌ای دوطرفه و فرایندی تعاملی میان انسان و عالم است:

۱. عالم با قوانین خود زمینه رشد انسان را فراهم می‌کند.

۲. انسان نیز با شناخت و فهم این قوانین، رفتار خود را با آن هماهنگ می‌کند.

قدرت انسان در عالم از جنس شناخت و تشخیص است، نه غلبه فیزیکی؛ یعنی او با عقل و درک خود مسخرکننده خلقت است نه با زور و اجبار. هرچه انسان قوانین خلقت و نظام هستی را بهتر بشناسد، توان او در مدیریت و بهره‌برداری از آن بیشتر می‌شود؛ در واقع تسخیر خلقت به معنای حرکت هماهنگ انسان و عالم در مسیر حکمت الهی است. هرچا انسان این هماهنگی را نادیده بگیرد، نتیجه آن آشفستگی در درون و زندگی او و آسیب به محیط خواهد بود.

نمودهای عینی تسخیر در آفاق (جهان بیرون)

وقتی از تسخیر خلقت سخن می‌گوییم، ذهن بیشتر افراد به سراغ پدیده‌های محسوس طبیعت می‌رود؛ اما آفاق را نباید فقط مجموعه‌ای از عناصر محیطی دانست. آفاق بخش بیرونی همان نظامی است که زندگی، درک و رشد انسان در درون آن شکل می‌گیرد.

نشانه‌های این نظام هماهنگ در سرتاسر عالم دیده می‌شود: فاصله مناسب زمین از خورشید، ترکیب جو، نظم شب و روز، تغییر فصل‌ها و پیوستگی عناصر طبیعت؛ این‌ها رخدادهایی تصادفی یا بی‌اثر نیستند، بلکه بخشی از تدبیر الهی برای شکل‌گیری جهانی قابل زیست و قابل فهم برای انسان هستند.

قرآن این حقیقت را با عبارتی روشن بیان می‌کند: «او آنچه در آسمان‌ها و زمین است برای شما رام کرد.»^۳

^۳ وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ؛ سوره جاثیه، آیه ۱۳

یعنی ساختار آسمان و زمین در چهارچوبی هدفمند و متناسب با نیازهای وجودی و ظرفیت‌های انسان شکل گرفته است.

برای فهم دقیق این نظام هماهنگ با ساختار وجودی انسان می‌توان دو سطح از تسخیر را در نظر گرفت:

• تسخیر مستقیم

پدیده‌هایی که در اختیار انسان قرار داده شده و او می‌تواند با شناخت قوانین‌شان از آن‌ها بهره ببرد: خاک، گیاه، دام، آب، معادن، منابع انرژی، باد و دریاها؛ این موارد فقط ابزار مصرف نیستند، بلکه زمینه‌ای برای تجربه و رشد عقل و اراده انسان هستند.

• تسخیر غیرمستقیم

بخش‌هایی از عالم که انسان هیچ دخل و تصرفی در آن‌ها ندارد، اما زندگی او بدون آن‌ها ممکن نیست: نظم کیهانی، گردش زمین، نقش کوه‌ها در پایداری زمین^۴ و حتی نقشی که برخی موجودات، مانند شیطان، در مسیر آزمون و انتخاب انسان دارند.

ملائکه نیز بخش مهمی از نظام تسخیر خلقت هستند. فرشتگان موجوداتی جدا از عالم انسان نیستند، بلکه در ساختار تدبیر آفرینش نقش دارند؛ نقش‌هایی مانند رساندن روزی و حفظ جان‌ها همگی بر عهده ملائکه است. انسان فرمانروا یا حاکم بر فرشتگان نیست، اما آفرینش به‌گونه‌ای تنظیم شده که آثار حضور و فعالیت آن‌ها در خدمت انسان قرار بگیرد؛ همان‌گونه که از تابش خورشید، بارش باران یا ثبات زمین بهره می‌برد.

تسخیر آفاق به معنای هماهنگی حکیمانه جهان بیرون با ساختار وجودی، ظرفیت‌ها و مسیر رشد انسان است؛ به‌گونه‌ای که در هر سطحی از آفرینش، از حرکت کهکشان‌ها تا پیدایش یک نسیم، زمینه‌ای برای انسان فراهم است که جایگاه حقیقی خود را بشناسد و به سوی کمال و تعالی حرکت کند.

^۴ وَالْجَبَالُ أَوْتَانًا؛ سوره نبا، آیه ۷

۲۲ نمودهای عینی تسخیر در انفس (درون انسان)

همان‌طور که طبیعت با نظم و حساب آفریده شده، ساختار درونی وجود ما نیز با حکمتی دقیق شکل گرفته تا امکان انتخاب و تشخیص مسیر درست و غلط را به ما بدهد. بدن، احساسات، غرایز، عقل و نیروهای ادراکی در کنار هم نظامی پیچیده و هماهنگ تشکیل می‌دهند. این هماهنگی فراتر از یک نظم زیستی است و چهارچوبی فراهم می‌کند که بتوانیم واکنش‌ها و انتخاب‌های درست داشته باشیم، تصمیم بگیریم و مسیر خود را مشخص کنیم.

هنگامی که قرآن می‌فرماید: «آنچه در آسمان‌ها و زمین است برای بهره‌مندی و رشد انسان تنظیم شده»، این تسخیر فقط درباره آفاق و جهان بیرونی نیست؛ بلکه درون انسان نیز بخشی از همان تدبیر الهی بوده و بر اساس همان حکمت تنظیم شده است. خداوند قوای درونی انسان را طوری آفریده که بتوانیم درست ببینیم، درست تشخیص دهیم و مسیر کمال را بیماییم.

برای روشن‌تر شدن این موضوع می‌توان به سه جلوه مهم از تسخیر درونی اشاره کرد:

۱. ابعاد زیستی و طبیعی

خواب و بیداری، احساس گرسنگی و سیری، سیستم ایمنی و کارکرد اندام‌ها و سیستم‌های بدنی نقشی فراتر از بقا دارند. این‌ها بخشی از نظام تربیت الهی هستند تا ما به کمک آن‌ها در جهت هدف خلقت خود پیش برویم.

۲. توانایی روانی و عقلانی

حافظه، قدرت تحلیل، تشخیص خیر و شر^۵، وجدان، تخیل، اراده و انتخاب فقط ابزار شناخت نیستند، بلکه مسیر ساخته شدن شخصیت انسان از میان آن‌ها عبور می‌کند.

۳. بعد ملکوتی و نقش فرشتگان

حضور ملائکه تنها به تدبیر جهان بیرونی محدود نیست. امدادهای غیبی، الهام و هدایت‌های درونی توسط

^۵ فَالْهَمَّهَا فَجُورُهَا وَتَقْوَاهَا؛ سوره شمس، آیه ۸

فرشتگان بخشی از شبکه حکیمانه‌ای است که انسان را در درونی‌ترین لایه وجودی خود نیز تنها رها نمی‌کند.

در این درس به این نکته اشاره کردیم که تسخیر خلقت در نگاه قرآن چیزی فراتر از سلطه‌جویی و تصرف بی‌قید انسان بر عالم هستی است. عالم بر اساس حکمت و هدف تنظیم شده تا انسان بتواند در آن زندگی کند، بیاموزد، تشخیص دهد و مسیر خود را به سوی هدف خلقت پیدا کند.

نمودهای تسخیر خلقت در آفاق و انفس آشکار است. از ساختار کیهانی گرفته تا قوای درونی انسان همگی زمینه‌ای برای انتخاب و کمال انسان فراهم می‌کنند. آفاق و انفس دو جهان جدا نیستند، بلکه دو بخش هماهنگ از یک طرح حکیمانه هستند که انسان با توجه به آن‌ها، جایگاه و مسیر خود را تشخیص می‌دهد.

دیدگاه شما درباره معنای تسخیر خلقت چیست؟ آیا تسخیر خلقت بیشتر به هماهنگی جهان با نیازها و ساختار وجودی انسان اشاره دارد یا نوعی سلطه و قدرت‌یابی انسان در برابر عالم و طبیعت است؟ نظرات خود را درباره این موضوع با ما در میان بگذارید.